





A Critical Evaluation of the Theory of Pluralism of Salvation in the Holy Qur'an: A Case Study of Criticizing the Admiration of the People of the Book*

Jafar Golbarari¹ 
Fatemeh Fazlian² 

ABSTRACT

Today, one of the issues most subjected to criticism and discussion in scientific communities is the theory of "Pluralism of Salvation," which holds that followers of other religions are also will reach salvation according to the Holy Qur'an, because God has favored them and praised them in the Holy Qur'an, as mentioned in the verse 113 of Aal Imran, and 66 of Al-Maida . This research using a descriptive-analytical approach ,tries to criticize this hypothesis scientifically, and by explaining their doubts and reasons, trying to answer the question: "Is the salvation of different religions followers and their admiration in the Qur'an because of the truthfulness and validity of the teachings of those religions, or is there another reason for it?"; "To what extent will Jewish and Christian will reach salvation and happiness in the afterlife?" and generally " ,What are the factors and obstacles that can be seen to achieve afterlife happiness for believers in Abrahamic religions other than Islam according to the Quran "?

To answer these questions, the terms such as pluralism *fawz* and *falah* have been first defined, and then the concept of *najat* "salvation" has been examined from different perspectives. Also, while expressing the kinds of pluralism, different viewpoints on the diversity of religions were mentioned. Therefore, the factors and obstacles to salvation were discussed and researched from the perspective of the Holy Qur'an, and then a critical analysis was made about the reasons for affirming pluralistic salvation in the Holy Qur'an .

What the researchers found in this research is that salvation in both pluralistic titles is absolutely false ;but it can be accepted from a special perspective under conditions .In our opinion the criterion for salvation is performing the assigned duty to the best of one's ability .In fact, the ability of the accountable person is of great importance in both cognitive and behavioral dimensions.

KEYWORDS :People of the Book ,Pluralism of Salvation, Criticism of Praise of the People of the Book.

* Received: 20224 Febr ۲۷, Accepted: 2024 Apr 23

¹ A graduate of the fourth level of the seminary of Qom | jaafar6464@yahoo.com

² Level 4 student of Qom seminary | fatemehe.fazlyan3@gmail.com



ارزیابی انتقادی نظریه پلورالیسم نجات در قرآن کریم: مورد پژوهی نقد تمجید

اهل کتاب*

جعفر گل براری^۱

فاطمه فضلیان^۲

چکیده

امروزه یکی از مسائلی که در مجامع علمی، مسئله‌ی پلورالیسم نجات است که قائل بر این مهم‌اند که پیروان ادیان دیگر به اذعان قرآن کریم از نجات‌یافتگان هستند و خداوند در قرآن کریم از آن‌ها به تکریم و تمجید یاد کرده است از جمله آیاتی را که مؤید نظرات خود ارائه می‌دهند آیات ۱۱۳ آل عمران و ۶۶ مائده است. این پژوهش که بر روش توصیفی - تحلیلی استوار است، با تقریر شبهات و استنادات آن‌ها به نقد علمی و پاسخ به این سؤال پرداخته که آیا نجات پیروان ادیان متعدد و تمجید از آن‌ها در قرآن به دلیل حقانیت و درستی آموزه‌های آن ادیان است یا توجیه دیگری دارد؟ و عمل‌کنندگان بر اساس تعالیم یهود و نصارا تا چه میزان از سعادت اخروی بهره‌مند خواهند بود؟ اساساً چه عوامل و موانعی را از نگاه قرآنی می‌توان ناظر بر نیل به سعادت اخروی معتقدان به سایر ادیان ابراهیمی غیر از اسلام دانست؟ بر این اساس در این مقاله اصطلاحاتی مانند پلورالیسم، فوز و فلاح تعریف شد و مفاهیمی مانند «نجات» از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. همچنین ضمن بیان شاخه‌های پلورالیسم، به دیدگاه‌های مختلف درباره تنوع ادیان نیز اشاره شد. عوامل و موانع نجات از دیدگاه قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در ادامه به دلایل تأیید پلورالیسم نجات از دیدگاه قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفت. آنچه پژوهشگران در این پژوهش به آن دست یافتند این است که در هر دو عنوان پلورالیسم نجات به صورت مطلق امری باطل است؛ اما با یک نگاه می‌توان آن را به صورت مشروط پذیرفت. به اعتقاد ما ملاک نجات، عمل به تکلیف در حد توان است. در واقع توان مکلف در دو حوزه ادراکی و رفتاری قابل ملاحظه است.

واژه‌های کلیدی: اهل کتاب، پلورالیسم نجات، نقد تمجید اهل کتاب.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم، (نویسنده مسئول) | jaafar6464@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم | fatemehe.fazlyan3@gmail.com

۱. بیان مسئله

پلورالیسم به معنی کثرت‌گرایی با مفاهیم پلورالیسم دینی و برون دینی یکی از بحث‌های پر دامنه در کلام جدید است. هر چند فلاسفه نیز در خصوص آن بحث‌های زیادی داشته‌اند. قرآن کریم با معرفی دین اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی از سویی از همگان می‌خواهد به اسلام عقیده یابند و راه سعادت دنیوی و اخروی را در عمل به دستورات اسلام می‌داند؛ از سویی دیگر برای سایر ادیان الهی و پیروان آن‌ها نیز ارزش و اعتبار قائل شده است؛ ولی این بدان معنا نیست که هر که به هر عقیده‌ای - هر چند غیر الهی - پایبند باشد به سعادت و نجات رهنمون می‌گردد. نجات پیروان همه ادیان و مکاتب فکری از مسائل مهم در بحث تکثر ادیان مختلف است چرا که همواره وضع اکثریت مخالف دغدغه همه افرادی است که خود را بر حق و اهل نجات می‌دانند. در واقع حل این مسئله پاسخ به سؤال درونی هر فردی است که انحصار نجات را صرفاً در پیروان قلیل خود، امری بعید می‌داند؛ به عبارت دیگر طرح برخی از پرسش‌های اساسی در این زمینه سبب می‌شود که به کمیت افراد سعادت‌مند و نجات‌یافته تأمل جدی شود. سؤالاتی مانند اینکه آیا صرفاً یک دین حق وجود دارد؟ با فرض حقانیت یک دین، آیا نجات فقط در گرو دست‌یابی به دین حق است یا آنکه در پرتو عوامل دیگر نیز تبیین پذیر است؟

به‌علاوه آنکه حل این مسئله می‌تواند مقدمه‌ای برای حل بسیاری از منازعات اجتماعی و افزایش تحمل و به تعبیری تساهل پیروان ادیان و افکار مختلف باشد. بر این اساس در جهان امروز سه تفکر عمده انحصار‌گرایی، شمول‌گرایی و پلورالیسم دینی، در باب نجات بخشی ادیان مختلف مطرح شده است؛ اما اسلام با رد همه این موارد، تعریف خاصی از انحصار‌گرایی ارائه داده که به‌نوعی شمول‌گرایی را نیز داخل می‌کند. قرآن کریم در برخی آیات، به نقش ایمان و عمل به دینی خاص، در نجات افراد اشاره کرده و از همگان می‌خواهد به دستورات آن دین عمل کنند و به پیامبرش دستور به بیزاری و اعلام برائت از فعل آن‌ها را می‌دهد (۴۱/ یونس) و حتی در برخی آیات، پیروان ادیان مقابل را تهدید و آن‌ها را به عذابی بزرگ وعده داده است (۴۱/ مائده) از طرفی دیگر ظواهر برخی آیات، حاکی از آن است که خداوند همه ادیان را حجت دانسته و عمل به دستورات نیک هر یک از آن‌ها را سبب نجات و رستگاری

می‌داند (۱۴۸ / بقره؛ مائده / ۴۸) برخی با استناد به آیات یادشده، نظریه پلورالیسم نجات را مطرح و بر این باورند که پیروان همه ادیان و مکاتب، در صورتی که به دستورات دین یا حداقل به الزامات عقلی عمل کنند، اهل سعادت و نجات هستند.

درواقع اسلام با پذیرش حقانیت دین نبی خاتم (ص) و انحصار اولیه نجات در عمل به آن دین، دیگران را با شرایطی خاص اهل نجات می‌داند؛ بنابراین در نوشتار حاضر قصد بر این است در مقام پاسخ به سؤال اصلی تحقیق و به روش توصیفی - تحلیلی نظریه پلورالیسم نجات را بر اساس مورد پژوهی «تمجید اهل کتاب در قرآن کریم» مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. امروزه ادیان متعدد توحیدی و غیرتوحیدی در دنیا وجود دارند که هر یک مدعی حقانیت و رستگاری دین و آیین خود هستند که در نتیجه آن میلیاردها انسان پیرو ادیان و مکاتب دیگر را باطل می‌دانند و این خود سبب بروز اختلافات شدید اجتماعی و فرهنگی در بین عموم و حتی در بین متفکران شده است. در واقع این مسئله در روزگار کهن صرفاً در محافل علمی خاص مطرح می‌شد؛ اما در روزگار ما به عرصه عمومی پا گذاشته و در مورد مسائلی مانند عدل خداوند و... وارد شده است؛ از این رو، پاسخ به سؤالاتی مانند وضعیت کارهای نیک افراد غیرمسلمان، جایگاه آنها در قیامت و... ضروری به نظر می‌رسد. ضرورت امر ما را بر آن داشت تا این مسئله را به صورت مستقل بررسی کنیم.

۲. مفاهیم و مبانی

واژه پلورال (plural) به معنای تعدد تکثر، چندگانگی، آیین کثرت، کثرت‌گرایی، چند‌گرایی و پلورالیسم (pluralism) به معنای گرایش به تعدد است. (حییم، ۱۳۸۰: ۱۵۹). فرهنگ آکسفورد، پلورالیسم را به عبارت ذیل تفسیر نموده است زندگی در جامعه‌ای که از گروه‌های نژادی مختلف تشکیل یافته یا گروه‌هایی که دارای زندگی سیاسی دینی مختلف باشند. پذیرش این اصل که گروه‌های مختلف یادشده، می‌توانند در یک جامعه به صورت صلح آمیز زندگی کنند (سایدل، بی تا: ۶۴۴). پلورالیسم به اقسامی مانند «پلورالیسم دینی»، «پلورالیسم نجات» و «پلورالیسم اجتماعی» تقسیم می‌شود (بیات، ۱۳۸۶: ۱۴۲)؛ اما در مبحث تکثر‌گرایی دینی عناوین بدین گونه است:

الف) در حقانیت: بدین معنا که ادیان گوناگون همه از حقانیت برخوردار و راه‌هایی

گوناگون به‌سوی حقیقت مطلق‌اند. به گفته جان هیک حقیقت غایی در ذات خود یکی بیش نیست؛ اما بالقوه می‌تواند در تجربه‌های مختلف بشری به شیوه‌هایی گوناگون تجربه شود (هیک، ۱۳۸۴: ۵۱).

ب) در نجات و رستگاری: پیروان ادیان مختلف اهل نجات‌اند. هیک ضمن نقد تفسیر انحصارگرایان مسیحی از نجات، آن را «تبدیل و تحول روحیه انسانی از خودمحوری به خدا (حقیقت) محوری» می‌داند که این امر لزوماً در حصار هیچ‌یک از سنت‌های دینی تاریخ بشر محدود نخواهد ماند؛ بلکه در درون همه سنت‌های دینی بزرگ عالم صورت می‌گیرد (هیک، ۱۳۷۸: ۶۹).

ج) در همزیستی اجتماعی: پیروان ادیان گوناگون می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی با یکدیگر در یک جامعه داشته باشند و حدود و حقوق یکدیگر را حرمت نهند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲: ۵۴۰).

۳. اصل بحث تمجید اهل کتاب در قرآن

بدون تردید اسلام ناسخ ادیان گذشته است و این ناسخ بودن از عقاید اصلی مسلمانان بوده و با ادله صریح، اثبات شده است؛ اما در بعضی آیات قرآن کریم از اهل کتاب تمجید شده است و آن‌ها را مورد لطف قرار داده که این امر انحراف فکری و عقیدتی را برای برخی ایجاد کرد است که در ادامه بحث به بررسی آن خواهیم پرداخت.

الف) آل عمران / ۱۱۳

«لَيْسُوا سَوَاءً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ اهل کتاب همه یکسان نیستند. گروهی به طاعت خدا ایستاده‌اند و آیات خدا را در دل شب تلاوت می‌کنند و سجده به‌جای می‌آورند. به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند و آن‌ها از صالح‌اند.

تقریر شبیهه

به دنبال مذمت‌های شدیدی که در آیات قبل در سوره آل عمران از قوم یهود به عمل

آمد، قرآن در این آیه برای رعایت عدالت و احترام به حقوق افراد شایسته و اعلام این حقیقت که همه آن‌ها را نمی‌توان با یک چشم نگاه کرد از اهل کتابی حکایت می‌کند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، عمل خیر انجام می‌دهند و بدین جهت مورد ستایش خداوند قرار گرفته‌اند و اتفاقاً آیه مذکور عام است؛ یعنی اطلاق آیه همه اهل کتاب از جمله مسلمین را شامل می‌شود. در واقع خداوند در این آیه خطایی عام به همه اهل کتاب از یهودی، مسلمان و... اعلام می‌دارد که ملائک نجات و سعادت اخروی ایمان به خدا و روز قیامت است؛ به عبارت دیگر این آیه درباره اهل کتاب است و اهل کتاب متعهد را می‌ستاید نه مسلمان شدگان آن‌ها را. صاحب تفسیر المنار به دو تفسیر در این زمینه اشاره کرده و در ذیل تفسیری که اهل کتاب را همان اهل کتاب فعلی می‌داند، می‌گوید: «ظاهر مدح آیه برای کسی است که مسلمان نشده و با پایبندی به دین خود، عمل صالح انجام می‌دهد نه کسی که الآن مسلمان شده و عمل صالح انجام می‌دهد چرا که بر فرض آنکه فرد مسلمان شده باشد، معنا ندارد خداوند وی را اهل کتاب خطاب کند؛ بلکه باید به عنوان مؤمن مدح کند» (رشید رضا، بی‌تا، ج ۴: ۱۵۹).

بر این اساس با تکیه بر دیدگاه پلورالیسم نجات و استناد به آیه ۱۱۳ آل عمران ملائک نجات اخروی، پایبندی به همان کتاب آسمانی و دینی است که شخص آن را پذیرفته است چه مسیحی باشد چه یهود و چه مسلمان؛ در نتیجه پیروان کتب آسمانی انجیل و تورات به شرط عمل به دستورات کتب آسمانی‌شان بعد از ظهور اسلام نیز اهل نجات هستند.

نقد

آنچه بیان شد تنها به عنوان احتمالی است که در باب تفسیر این آیه بیان شده است که می‌تواند مؤید پلورالیسم نجات باشد؛ اما در مقابل احتمالات دیگری نیز وجود دارد که پلورالیسم نجات را نفی می‌کند، احتمالی که می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد که با قرائن و دیگر آیات قرآن کریم هماهنگی داشته باشد و اینک به دو احتمال مطرح شده در این زمینه اشاره می‌کنیم:

۱. آیه مبارکه در صدد تمجید از اهل کتابی است که با آمدن نبی اکرم (ص) به وی ایمان آورده و تابع دین اسلام شده‌اند. در واقع بر اساس آیات مختلف قرآن کریم، برخی از

صفات نبی اکرم (ص) در تورات و انجیل مکتوب بوده و این دو کتاب مقدس با ذکر نام، به آمدن نبی جدید بشارت داده بودند و به همین جهت اهل کتاب نبی اکرم (ص) را به خوبی می‌شناختند: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَىٰ - ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (صف/ ۶).

به همین منظور برخی از آن‌ها مسلمان شده‌اند؛ اما اکثریت آن‌ها در عین شناخت نبی خاتم، منکر وی شده و راه مخالفت را طی کردند. در بین آن‌ها افراد پاکی بودند که با انطباق نشانه‌های مطرح شده در کتاب مقدس بر نبی اکرم (ص) به وی ایمان آورده و در شمار مؤمنان قرار گرفتند این سخن مورد تأیید بسیاری از مفسرانی است که شأن نزول آیه را مربوط به بخشی از ایمان آورندگان به نبی می‌دانند.

در شأن نزول این آیه آمده است که آیات فوق درباره اسلام آوردن بعضی اهل کتاب مانند عبدالله بن سلام یا نجاشی حاکم حبشه و فرستادگان او، نازل شده است. آنجا که ایمان آورندگان به اسلام از سوی هم‌کیشان سابق خود به کفر و شرارت متهم شدند؛ اما قرآن ایمان آنان را تصدیق می‌کند و برای آنان وعده بهشت و اجر می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۲: ۵۱۸؛ ابوالفتوح رازی؛ ۱۴۰۸ ق، ج ۵: ۲۰؛ طوسی، بی‌تا ج ۲: ۵۶۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۶۴؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۳۵). ابن کثیر شأن نزول مذکور را به اکثر مفسران نسبت می‌دهد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ۹۱).

توجه به شأن نزول آیه، خود می‌تواند به‌عنوان شاهدهی بر این تفسیر باشد؛ یعنی مراد از اهل کتاب، کسانی هستند که پیش‌تر اهل کتاب بوده و سپس مسلمان شده‌اند. بر این اساس خداوند در این آیه از افرادی حکایت می‌کند که به خدا و پیغمبر اسلام ایمان آورده‌اند و خداوند از آن‌ها تعبیر به اهل کتاب آورده است درحالی‌که آن‌ها قطعاً مسلمان بوده‌اند؛ از این رو، لزوماً مصداق اهل کتاب نباید افرادی باشد که فی الحال اهل کتاب هستند.

به‌علاوه آنچه از شأن نزول بیان شد، آیات قبل نیز احتمال یادشده را تأیید می‌کند. خداوند در دو آیه قبل، اسلام را بهترین دین و امت، وصف می‌کند و خاطر نشان می‌سازد که اگر اهل کتاب ایمان می‌آورند، برای خودشان بهتر بود؛ لکن ایمان آورندگان آنان کم‌اند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ... وَلَوْ أَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ» (آل عمران/ ۱۱۰).

نیز در آیه ۱۹۹ همین سوره آمده است: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشَعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»؛ و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا و آنچه بر شما نازل شده و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند در برابر (فرمان) خدا خاضع‌اند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. پاداش آن‌ها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است.

نیز در سوره مائده پس از وصف کردن عالمان اهل کتاب به خضوع تأکید می‌کند که در میان آنان کسانی هستند که وقتی کلام الهی را از زبان نبی اکرم (ص) می‌شنوند، آن را مطابق نشانه مطرح شده در تورات و انجیل یافته و با شوق فراوان به وی ایمان می‌آورند: «وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده/۸۳). همه شواهد و قرائن یاد شده مؤید این احتمال است که مراد از اهل کتاب مورد استشهاد قائلان به پلورالیسم نجات، اهل کتابی است که سابقاً به دین و آیین خود پایبند بوده و با آمدن نبی جدید به وی ایمان آورده‌اند.

۲. آیه درصدد اخبار از گذشته باشد در واقع با گذشت زمان بسیاری از اهل کتاب از دین و آیین اصلی خود منحرف شده دچار عقاید باطل باشند، آن‌چنان که عزیر و عیسی را خدا یا پسر خدا شمرده‌اند (مائده/۱۷؛ توبه/۳۰) البته در بین آن‌ها افراد صالحی بودند که تقوا را در پیش گرفته و عمل صالح انجام می‌دادند.

مطابق این تفسیر، آیه‌های یاد شده ناظر به ایمان یا کفر اهل کتاب قبل از اسلام است که در طول تاریخ و قبل ظهور اسلام، ایمان خود را حفظ کرده، در شریعت خود ثابت قدم بوده‌اند؛ اما درباره ایمان و کفر آن‌ها بعد ظهور اسلام آیات دیگری وجود دارد. بر این اساس مطابق هر یک از دو تفسیر فوق، اصل استشهاد قائلان به پلورالیسم نجات، مورد نقد قرار می‌گیرد چراکه هر دو تفسیر تبعیت و ایمان اهل کتاب از نبی اکرم (ص) را امری لازم و ضروری می‌دانند و همگان معتقدند با ظهور نبی اکرم (ص) حجیت ادیان پیشین از بین رفته و پیروان آن‌ها مکلف‌اند از نبی جدید پیروی کنند؛ لذا برای اثبات نظریه پلورالیسم نجات نمی‌توان به آیات فوق استناد کرد.

ب) آیه ۶۶ مائده

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ»؛ و اگر تورات و انجیل و آنچه را که از جانب خدا بر آنها نازل شده بر پای دارند، از فراز سر و زیر پایشان روزی بخورند. بعضی از ایشان مردمی میانه‌رو هستند و بسیاری‌شان بد کردارند.

دومین آیه مورد استشهد قائلان به پلورالیسم با تکیه بر آیاتی که ادیان مختلف را مورد تأیید قرار می‌دهند، آیه ۶۶ سوره مبارکه مائده است در این آیه تورات و انجیل مورد تأیید قرار گرفته است و نه تنها از پیروان آنها خواسته شده برای اقامه تورات و انجیل تلاش کنند؛ بلکه تأکید می‌کند که در این صورت، برای آنها برکاتی از زمین و آسمان نازل می‌گردیم و طبیعی است دینی که در دنیا عمل به آن سبب نزول برکت و رحمت خداوند است، در آخرت نیز چنین است و پیروان آنها نیز اهل سعادت و نجات خواهند بود.

تقریر شبیهه

واضح است که مراد از «ما أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ» نیز با توجه به ذکر تورات و انجیل قبل از آن، سایر کتب آسمانی منسوب به پیامبران پیشین است که نزد آنان بوده؛ مانند مزامیر داوود (ع) که قرآن آن را زبور می‌نامد (نساء/۱۶۳) و جمله «أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ...» بر اساس آن حداقل ادیان الهی که دارای کتب آسمانی هستند می‌توانند به دین خود عمل کرده و با اقامه حدود دین الهی اهل سعادت و نجات گردند؛ به عبارتی نمی‌توان تورات و انجیل را منسوخ شده و عمل به آن را باطل دانست درحالی که عمل به آن به شدت مورد تأیید خداوند قرار گرفته است و اگر (مثلاً) مسیحیت از نظر قرآن کریم منسوخ و منتفی شده بود و طومار هستی‌اش درنور دیده بود، آیا ممکن بود در قرآن چنین آیاتی بیاید؟ (خرمشاهی، ۱۳۷۷ ش ۱۷: ۱۷۴).

همچنین در آیات دیگر همین سوره می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَ زُهَبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ* وَ إِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَكُتِّبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (مائده/ ۸۲-۸۳)

به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیک ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند: «ما نصاری هستیم» این به خاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند و هر زمان آیه ای را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم های آنها را می بینی که (از شوق)، اشک می ریزد، به خاطر حقیقتی که دریافته اند آنها می گویند: «پروردگارا! ایمان آوردیم پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس.» خداوند در این نیز از اهل کتاب تمجید کرده و عالمان دین آنها را موردستایش قرار داده است.

برخی با استناد به این آیه گفته اند: «اگر مسیحیت از نظر قرآن کریم منسوخ و منتفی بود و طومار هستی اش درنور دیده بود، آیا ممکن بود در قرآن چنین آیه ای بیاید؟ ... ملاحظه می فرمایید که فرقه ناجیه از میان کشیشان و راهبان مسیحی، به تصریح قرآن، وجود دارد» (خرمشاهی، ۱۳۷۷ ش: ۱۷۴). برخی دیگر نیز به استناد به این آیه آورده اند که: «وقتی قرآن بر پیامبر اکرم نازل می شود، قسیسانی هستند که قرآن را می خوانند و اشک می ریزند و می گویند: خدایا! ما را از شاهدان قرار ده! خداوند می فرماید: اجر این کار آنها را خواهیم داد؛ یعنی از طرف خدا پذیرفته شده اند. در اینجا مسلمان شدن مطرح نیست. این برای ما یک الگوست» (بینا، ۱۳۷۸ ش: ۲۳) در نتیجه آیه ۶۶ مائده با مؤیداتی که از آیات دیگر ذکر شد یکی دیگر از ادله ی قوی قائلان به پلورالیسم نجات است.

نقد

انجیل فعلی آموخته های حضرت عیسی (ع) است که حواریون در دو قرن اول به صورت کتاب و رساله هایی درآوردند و بعد از دو قرن، تشتت آراء در نوشته حواریون، کلیسا را بر آن داشت که همه را در چهار انجیل جمع کرده و مابقی را بسوزاند و طبیعی است در چنین فرایندی، احتمال تحریف و حذف آیه ای که صراحتاً بر نبوت محمد (ص) بشارت می دهد، وجود دار (زرین کوب، ۱۳۹۰: ۱۱۶)؛ اما با این حال در موارد متعددی از تورات و انجیل فعلی، اشاراتی به ظهور نبی بعدی آمده است ما تنها در اینجا به یک فقره که به گونه ای هم در تورات و هم در انجیل آمده است اشاره می کنیم:

بنا به نقل تورات، حضرت موسی به قوم اسرائیل می‌گوید: یهوه، خدایت، نبی‌ای را از میان تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید او را بشنوید» (تورات، سفر تثبیه، فصل ۱۸، آیه ۱۵) و نیز خدا به موسی می‌گوید: «نبی‌ای را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد و کلام خود را به دهانش خواهم گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت. و هر کس که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود من از او مطالبه خواهم کرد» (همان، فصل ۱۸، آیات ۱۸-۱۹).

شکی نیست که این دو فقره آمدن پیامبری را بشارت می‌دهند. این پیامبر ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله این که مانند موسی (ع) است. بدون شک مهم‌ترین ویژگی نبوت حضرت موسی (ع) این است که شریعتی خاص آورده است و وقتی گفته می‌شود «نبی‌ای مانند موسی» حتماً باید این ویژگی در نظر گرفته شود.

در قرآن نیز به پیشگویی تورات و انجیل درباره آمدن حضرت محمد (ص) نیز اشاره شده است: «وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بِنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (۶ / صف)؛ و (به یاد آورید) هنگامی را که عیسی بن مریم گفت: «ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم درحالی که تصدیق‌کننده کتابی که قبل از من فرستاده شده [تورات] هستم و بشارت‌دهنده به رسولی که بعد از من می‌آید و نام او احمد است!» هنگامی که او [احمد] با معجزات و دلایل روشن به سراغ آنان آمد، گفتند: «این سحری است آشکار».

همچنین خداوند در سوره اعراف نه تنها از پیش‌گویی تورات و انجیل از نبی اکرم (ص) سخن به میان آورده است؛ بلکه به روشنی، اهل نجات و رستگاری را برای گروهی از آنها می‌داند که از نبی اکرم (ص) ایمان آورده و از دستورات وی اطاعت کرده‌اند: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف / ۱۵۷).

همان کسان که آن رسول پیغمبر ناخوانده درس را که وصف وی را نزد خویش در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی کنند، پیغمبری که به معروفشان وامی‌دارد و از منکر بازشان

می‌دارد و چیزهای پاکیزه را حلالشان می‌کند و پلیدی‌ها را حرامشان می‌کند تکلیف گرانشان را با قیدهایی که بر آنها بوده است برمی‌دارد، کسانی که بدو ایمان آورده و گرامی‌اش داشته و یاری‌اش کرده‌اند و نوری را که به وی نازل شده پیروی کرده‌اند آنها خودشان رستگاران‌اند.

اتفاقاً به جهت همین شناختی که از نبی جدید داشته‌اند، خداوند آنها را ملزم به تبعیت کرده است و غیر آن را نه تنها اهل نجات نمی‌داند؛ بلکه مشمول لعنت خود قرار می‌دهد، آن‌چنان که در سوره بقره می‌فرماید: «...فَأَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكُفْرِينَ» (بقره/ ۸۹)؛ آری بعد از آمدن کتابی که آن را می‌شناختند بدان کفر ورزیدند پس لعنت خدا بر کافران علاوه بر آنچه بیان شد، آیات قبل آن نزول قرآن مجید را موجب طغیان و کفر یهود می‌داند و تأکید می‌کند که بخشش گناهان اهل کتاب و ورود به بهشت، تنها از راه گرویدن به اسلام میسر خواهد بود: «وَلَوْ سَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ يَأْمُرُوا وَ اتَّقُوا لَكُنَّا عَنْهُمْ سَاهِبِينَ» (مائده/ ۶۵)؛ و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می‌بخشایم و آنها را در باغ‌های پر نعمت بهشت، وارد می‌سازیم.

نتیجه آنکه اقامه تورات و انجیل زمانی محقق می‌شود که آنها به همه فرمان‌ها از جمله بشارت و لزوم اطاعت از نبی بعدی ایمان بیاورند؛ از این رو، مطابق آنچه در این قسمت و قسمت‌های قبل در باب نسخ ادیان پیشین بیان شد، پیروان ادیان آنها مکلف‌اند با آمدن نبی و دین جدید، از دین و آیین جدید پیروی کنند. علاوه بر این، اقامه تورات و انجیل در آیه مورد استشهاد به معنای حفظ اصول و برپایی احکام و آموزه‌های کامل و غیر منسوخ، آن است، نه حفظ و عمل به بعضی و ترک بعضی دیگر. از آنجا که ظهور اسلام و اخذ میثاق از پیامبران و کتب آسمانی پیشین، مطابق قرآن از ارکان و اصول مهم شرایع پیشین است، اقامه تورات و انجیل بدون توجه به آن، نه اقامه بلکه جرح تورات و انجیل است؛ بنابراین با توجه به آنکه بشارت به ظهور نبی جدید از ارکان مهم شرایع پیشین بوده، اقامه تورات و انجیل بدون توجه به آن معنا ندارد؛ پس اقامه واقعی زمانی محقق می‌شود که پیروان ادیان پیشین به همه دستورات دین خود از جمله لزوم ایمان به نبی جدید عمل کنند.

زمخشری در تفسیر این آیه می‌گوید: «أَقَامُوا أَحْكَامَهَا وَ حُدُودَهَا وَ مَا فِيهَا مِنْ نِعْتِ رَسُولِ

اللَّهُ (ص)؛ احکام و حدود تورات و انجیل و آنچه را از اوصاف رسول خدا (ص) در آن دو کتاب است برپا دارند....» (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۱: ۶۵۸). همچنین مرحوم طبرسی (ره) در تفسیر جمله «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ» می‌فرماید: «و اگر آن‌ها به احکام تورات و انجیل عمل می‌کردند و حدود آن دو و آنچه را از اوصاف رسول خدا (ص) در آن‌هاست، رعایت می‌کردند» (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۱: ۳۴۱). به علاوه برخی از مفسرین مراد از جمله «قَتَلْتُمْ أُمَّةً مُّقْتَصِدَةً» را یهودیان و مسیحیانی می‌دانند که با آشکار شدن حقانیت دین اسلام، به آن ایمان آورده‌اند (صادقی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۱۱۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱: ۱۶۰؛ گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۹۶؛ قمی مشهدی، بی‌تا، ج ۴: ۱۶۵؛ بیضاوی، ج ۲: ۱۳۶؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹ ق، ج ۲: ۵۹؛ سیوطی، ج ۲: ۲۹۷) چنان‌که مغنیه در تفسیر این آیه می‌گوید: «مراد از «امت مقتصد» یهودیان و مسیحیانی هستند که حقانیت اسلام برایشان آشکار شد و اسلام را پذیرفتند؛ اما کسانی که پس از روشن شدن حق، بر کفر اصرار ورزیدند، جزو کثیرٍ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ لَنْد» (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۳: ۹۳) نتیجه آنکه اقامه واقعی تورات و انجیل زمانی محقق می‌شود که پیروان آن‌ها به همه دستورات آن از جمله لزوم اطاعت از نبی بعدی عمل کنند و بدون آن در واقع عمل به برخی از دستورات تورات و انجیل و رها کردن برخی دیگر است و اتفاقاً مطابق آنچه از نظر مفسران بیان شد، ذیل آیات نیز این سخن را تأیید می‌کند. لذا نمی‌توان آیه فوق را مؤید نظریه پلورالیسم نجات دانست که مطابق آن اگر یهودیان و ... به همان کتاب خود بدون اطاعت از نبی بعدی، پایبند باشند، اهل سعادت و رستگاری هستند.

۴. نتیجه

خداوند در آیات مختلف، از جامعیت دین اسلام و حجیت آن برای عموم مردم سخن گفته و از پیروان دیگر ادیان می‌خواهد به شریعت نبی اکرم (ص) ایمان بیاورند و حتی در آیات مختلف، آن‌ها را تهدید کرده و در مواردی آن‌ها را مورد لعن قرار داده است. از نگاه قرآن، دین اسلام حاکم و ناسخ ادیان قبلی است و با مراجعه به تفاسیر معتبر و یافتن قرائن موجود، هیچ آیه‌ای نظریه نجات پیروان همه ادیان، حتی ادیان ابراهیمی را به صورت مطلق تأیید نمی‌کند؛ از این رو، استناد به آیاتی که اقامه تورات و انجیل را سبب نجات دانسته یا تقوی را سبب رستگاری می‌داند، نمی‌تواند مؤید پلورالیسم باشد. به اعتقاد ما زمانی تورات و

انجیل اقامه شده و تقوا حاکم می شود که به معیارهای اقامه کتب و ملاک های تقوا در قرآن توجه شود. در واقع ادعای تقوا بدون پذیرش نبوت خاتم، امری باطل است و مطابق آنچه بیان شد اصل اولیه تقوا، ایمان به رسالت نبی اکرم (ص) و پذیرش دین اسلام است. همچنین اقامه کتاب های آسمانی مانند تورات و انجیل زمانی محقق می شود که به همه آیات آن ها از جمله بشارت به آمدن نبی جدید و... توجه شود که در غیر این صورت عمل به برخی از دستورات و رها کردن برخی دیگر است؛ پس نمی توان آیات یاد شده در این بخش را مؤید نظریه پلورالیسم نجات دانست.

بنا بر آنچه بیان شد پذیرش پلورالیسم نجات به صورت مطلق امری باطل است؛ اما با یک نگاه می توان آن را به صورت مشروط پذیرفت. به اعتقاد ما ملاک نجات، عمل به تکلیف در حد توان است. در واقع توان مکلف در دو حوزه ادراکی و رفتاری قابل ملاحظه است؛ پس اگر فردی به دلیل ناتوانی عقلی قادر به درک حقیقت نباشد، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرد یا اگر توانایی عقلی داشته؛ اما در عین حال به دلایل مختلف مانند جهل، اضطراب و... توانایی در عمل نداشته باشد، مورد مؤاخذه قرار نگرفته و اهل نجات است که قرآن از آن ها با عنوان «مرجون لامر الله» یاد کرده است. بر این اساس گرچه یگانه دین حق را اسلام و سعادت اولیه را در گرو پیروی از دستورات آن می دانیم؛ اما انحصار در نجات را قبول نداریم؛ بلکه معتقدیم پیروان سایر ادیان نیز می توانند با شرایط مطرح شده، اهل سعادت و رستگاری باشند منوط به آنکه حداقل به الزامات عقلی و نقلی خود پایبند باشند.

منابع و مآخذ

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) نهج البلاغه.
- ۳) ابن عجبیه، احمد بن محمد. (۱۴۱۹ ق). **البحر المديد في تفسير القرآن المجيد**. قاهره: حسن عباس زکی.
- ۴) ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ ق). **تفسير القرآن العظيم**. بيروت: دار الکتب العلمیه.
- ۵) ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). **روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن**. مشهد: بنیاد آستان قدس
- ۶) آریانپور کاشانی، عباس. (بی تا). **فرهنگ کامل انگلیسی فارسی**. تهران: امیر کبیر، تهران.
- ۷) بیات، عبدالرسول. (۱۳۸۶ ش). **فرهنگ واژه‌ها**. قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دین.
- ۸) بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۳۶۸ ش). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**. تهران: ارشاد اسلامی.
- ۹) بینا، محمود. (۱۳۷۸ ش). **حکمت متعالی ادیان**. مجله هفت آسمان، ش ۱، صص ۲۳-۳۵.
- ۱۰) **تورات**. (بی تا). ویراستار زین ریدلینگ. برگردان سیاوش فاتحی ابراهیم آباد. تهران: کلیدپژوه.
- ۱۱) حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی. (۱۴۰۹ ق). **تأویل الآيات الظاهره**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۲) خرّمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۷ ش). «**قرآن و الهیات جهانی**»، مجله بینات، ش ۱۷، صص ۱۷۰-۱۷۷.
- ۱۳) جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲ ش). **دایره المعارف قرآن کریم**. قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن. بوستان کتاب.
- ۱۴) هیک، جان (۱۳۸۴)، **چراغ‌ها متفاوتند اما نور یکی است**، ترجمه مسعود خیرخواه، اخبار ادیان شماره ۱۲، صص ۴۶-۵۲.
- ۱۵) هیک، جان (۱۳۷۸)، **مباحث پلورالیسم دینی**، ترجمه‌ی عبدالرحیم گواهی، تهران، تیان.
- ۱۶) رشید رضا، محمد. (بی تا). **المنار**. بيروت: دار المعرفه.
- ۱۷) زرین کوب، محمد حسین. (۱۳۹۰ ش). **در قلمرو وجدان**. تهران: نشر سروش.
- ۱۸) زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ ق). **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**. بيروت: دار الکتب العربی.
- ۱۹) سایدل، جنیفر. (بی تا). **آکسفورد**، تهران: شباهنگ.
- ۲۰) سلیمان، حیم. (۱۳۸۰ ش). **فرهنگ معاصر بزرگ انگلیسی فارسی**. تهران: فرهنگ معاصر.
- ۲۱) سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۴ ق). **الدر المنثور في تفسير المأثور**. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ۲۲) صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ ق). **البلاغ في تفسير القرآن بالقرآن**. قم: مؤلف.
- ۲۳) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). **مجمع البیان**. تهران: ناصر خسرو.

- ۲۴) طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ ش). **تفسیر جوامع الجامع**. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۵) طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفه.
- ۲۶) طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۷) قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ ش). **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**. تهران: وزارت ارشاد.
- ۲۸) گنابادی، سلطان محمد. (۱۴۰۸ ق). **تفسیر بیان السعاده فی مقامات العبادة**. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۹) مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). **تفسیر الکاشف**. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

Sources and references

1. Holy Quran.
2. Nahj al-Balagha.
3. Ibn Akhiba, Ahmad Ibn Muhammad (۱۴۱۹ AH). Al-Bahr Al-Madid in Tafsir al-Qur'an al-Majid. Cairo: Hassan Abbas Zaki.
4. Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Amr (۱۴۱۹ AH). Tafsir of the Great Qur'an. Beirut :Dar al-Katb al-Alamiya.
5. Abulfatuh Razi, Hossein bin Ali (۱۴۰۸ AH). Ruz al-Jannan and Ruh al-Jannan in Tafsir al-Qur'an. Mashhad: Astan Quds Foundation
6. Arianpour Kashani, Abbas. (Beta) .Complete dictionary of Persian English. Tehran: Amir Kabir, Tehran.
7. Bayat, Abdul Rasul. (۱۳۸۶). Dictionary of words. Qom: Institute of Religious Thought and Culture.
8. Beidawi, Abdullah bin Omar. (۱۳۶۸). Anwar al-Tanzil and secrets of interpretation. Tehran: Islamic Guidance.
9. Bina, Mahmoud. (۱۳۷۸). The sublime wisdom of religions. Haft Asman magazine, vol ۱, pp.۳۵-۲۳.
10. Torah. (without). Edited by Zane Ridling .Translated by Siavash Fatehi Ibrahimbabad. Tehran: Kalidpajoh.
11. Hosseini Estrabadi, Seyyed Sharafuddin Ali (۱۴۰۹ AH). Interpretation of the verses of Al-Zahira. Qom: Islamic Publications Office.
12. Khoramshahi, Bahauddin" (۱۳۷۷). Qur'an and Global Theology , "Binat Magazine, vol ۱۷, pp.۱۷۷-۱۷۰ .

13. A group of writers .(۱۳۸۲) .Encyclopedia of the Holy Quran. Qom: Center for Quranic Culture and Education .book garden
14. Hick, John ,(۲۰۰۴) The lights are different but the light is the same, translated by Masoud Khairkhah, Akhbar Adian No ,۱۲ .pp.۵۲-۴۶ .
15. Hick, John ,(۱۳۷۸) Discussions of Religious Pluralism, translated by Abdur Rahim Toshet, Tehran ,Tabian.
16. Rashid Reza, Mohammad. (Beta). Al-Manar Beirut: Dar al-Marafa.
17. Zarin Kob, Mohammad Hossein .(۲۰۱۰) .In the realm of conscience. Tehran :Soroush Publishing.
18. Zamakhshari, Mahmoud ۱۴۰۷) .AH). Al-Kashaf on the facts of Ghawamaz al-Tanzil. Beirut: Dar Al Kitab Al Arabi.
19. Seidel, Jennifer. (Beta). Oxford, Tehran :Shabahang.
20. Suleiman, Haim .(۱۳۸۰) .The great contemporary culture of Farsi English. Tehran: Contemporary Culture.
21. Siyuti, Jalaluddin ۱۴۰۴) .AH). Elder Al-Mathur fi Tafsir al-Mathur. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
22. Sadeghi Tehrani, Mohammad ۱۴۱۹) .AH). Al-Balagh fi Tafsir al-Qur'an with the Qur'an. Qom: Author.
23. Tabarsi, Fazl bin Hasan .(۱۳۷۲) .Al Bayan Assembly Tehran: Nasser Khosrow.
24. Tabarsi, Fazl bin Hasan .(۱۳۷۷) .Tafsir of Jamaat al-Jamae. Tehran: University of Tehran.
25. Tabari, Abu Jafar Muhammad bin Jarir ۱۴۱۲) .AH). Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an . Beirut: Dar al-Marafa.
26. Tusi, Muhammad bin Hassan. (Beta) .Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: The Revival of Arab Heritage.
27. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza .(۱۳۶۸) .Tafsir of Kenz al-Daqaq and Bahr al-Gharaib. Tehran: Ministry of Guidance.
28. Gonabadi, Sultan Muhammad ۱۴۰۸) .AH). Tafsir of the expression of happiness in worshipping authorities. Beirut: Al-Alami Publishing House.
29. Mughniyeh, Mohammad Javad ۱۴۲۴) .AH). Tafsir al-Kashif. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyeh .